

دور دنیا

اتحاد معلمان هندوراس برای نجات نظام آموزش وپرورش

● دانش‌آموزان یک کلاس در پایتخت هندوراس جدول‌ضرب را به آواز می‌خوانند و در کلاس دیگر کلمات انگلیسی را تکرار می‌کنند؛ اما در زیر این ظاهر عادی، نظامی آموزشی قرار دارد که در معرض تهدید است. یکی از معلم‌ها آهسته می‌گوید: «همین هفته یک پسر دبیرستانی ناپدید شده». می‌گویند سه روز پیش خواهر کوچک‌ترش را به مدرسه رسانده و از آن زمان دیده نشده است. پدر و مادرش می‌ترسند که گزارش کنند او ناپدید شده است. معلمان نیز همین ترس را دارند. علتش ساده است؛ خشونت گروه‌های تبهکار خیابانی. تعداد ثبت‌نام‌شدگان در مدرسه در همین دو سال گذشته از بیش از ۳۰۰ نفر به ۱۸۰ نفر در سال رسیده است، زیرا گروه‌های تبهکار به بسیاری از کودکان و نوجوانان محله مجاور اجازه ورود به مدرسه در این محله را نمی‌دهند. عضوگیری باندهای تبهکار و اعتیاد به مواد مخدر، نوجوانان را سخت درگیر خود کرده است. مدارس با کمبود کارکنان و کمبود منابع روبه‌رو هستند. اتاق فناوری که زمانی سودمند بود، اکنون با رایانه‌های شکسته پر شده است. بزرگ‌ترین مشکل البته خشونت است که دانش‌آموزان و معلمان در این محل به‌صورت یکسان با آن روبه‌رو هستند؛ از تجاوز جنسی تا قتل. علاوه بر این، بعضی از والدین دانش‌آموزان در زندان هستند؛ درحالی‌که خود معلمان با اخاذی و تهدید مواجه می‌شوند و احساس درماندگی می‌کنند. اما تعدادی از این معلمان با همه خستگی، در کمپینی در حمایت از معلمان صدها مدرسه در سراسر هندوراس با کمک کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) و در هماهنگی با مؤسسه مردم‌نهاد «بچه‌ها را نجات دهید» شرکت کرده‌اند. این مؤسسات کار را با نظرسنجی از مدارس دولتی شروع کردند. هدف اولیه بررسی این بود که بر معلمان چه گذشته است و چگونه UNHCR می‌تواند از آنها حمایت کند. اولین نتیجه استخراج‌شده از نظرسنجی این بود که مربیان احساس می‌کنند هنگام تهدید، آزاروادیت جنسی، اخاذی و حمله فیزیکی جایی برای پناہ‌بردن ندارند. با تلاش این معلمان و حمایت سازمان ملل متحد، قرار شد بهبود ایمنی و شرایط مدارس، اقدامات حفاظتی و پروتکل‌های امنیتی برای کارکنان و دانش‌آموزان و ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین معلمان و مدیران مدرسه برای هشدار و خبر و همچنین کمک‌های روان‌شناختی به دانش‌آموزان آسیب‌دیده از طریق همکاری با انجمن پزشکان بدون مرز انجام شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۷ • ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ • ۳ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۲۲۳۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۴۸ • اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه‌فرو



پشت تاریخ

چگونه سیگارکشیدن برادرم رسمی شد

بهروز غریب‌پور

رفع بحران اتخاذ کنیم. این دستاورد خوبی نیست و حتما راه‌حل‌های دیگر و بهتری وجود دارد. ما نظریه‌پردازان بزرگ اقتصادی داریم که از آنها چنان‌که باید بهره گرفته نمی‌شود و راه‌حل‌هایشان به اجرا گذاشته نمی‌شود. اصلا و ابدا آرزو نمی‌کنم که به آن روزگار تلخ برگردیم؛ دوره‌ای که دولتمردان از سر ناچاری محض به شیوه‌ای روی آوردند که بیشتر در کشورهای سوسیالیستی وجود و رواج داشت. بازگشت به آن وضعیت نتایج تلخ‌تری هم دارد. خاطره‌ای از روزگار کوپنی‌شدن کالاها دارم که فکر می‌کنم خیلی مضحک است. پدر من مخالف سیگارکشیدن برادرم بود که دو سال از من بزرگ‌تر بود، ولی چون در آن دوره در میان همه سهمیه‌ها، سهمیه سیگار هم وجود داشت، پدرم که در تمام عمر هرگز سیگار نکشیده بود، سهمیه سیگار را می‌گرفت و برای برادرم پست می‌کرد و می‌گفت «این هم سهمیه سیگار!» انواع کالاها در سهمیه خانوار وجود داشت و از جمله

دغدغه‌های روزمره – ۲

برای ایران چه کرده‌ایم؟

امان قرانی‌مقدم
جامعه‌شناس

امروز؛ جوانان کمتر رسمی را به رسمیت می‌شناسند. اینک می‌توان از آن تخطی کرد. آنان از بزرگان و مسئولان سؤال می‌کنند شما درمورد هویت ملی و میهنی و بزرگداشت میراث فرهنگی ما چه کرده‌اید که امروزه از ما انتظار دارید که ما به ملیتمان پایبند باشیم؟ کجا از اشعار حماسی فردوسی و اسطوره‌های ملی سخن به میان آوردید؟ قصیده ایوان مدائن در کجای کتاب‌های درسی گنجانیده شده، شعر آرش کمانگیر، اسطوره ملی، در کدام کتاب درسی و آموزش‌وپرورش وجود دارد؛ او را که حذف کردید. از کدام اسطوره ملی مانند آرش کمانگیر و بابک و رستم فرخ‌زاد و یعقوب لیث و طاهر ذوالیمینین و ده‌ها اسطوره ملی دیگر و دانشمندان ایرانی مانند ابن‌مقفع، زادن فرخ‌برخی، خنین ابن اسحق، ابوعمر سهل ابن هارون دشت میشانی، طبیب سرخسی، فضل‌وسهل وزیران، سیبویه، علی بن عباس مجوسی‌اهوازی و صد دانشمند و متفکر ایرانی در کتاب‌های درسی نام برده‌اید؟ کدام آثار و آبنیه تاریخی و ملی ما را از بیستون گرفته تا گنجامه در همدان و تخت جمشید و پاسارگاد و طاق کسری و رصدخانه مراغه و ستاره‌شناسی و نجوم و حوزه علمی ربع رشیدی و سلطانه و حوزه فلسفه شام غارازن خان و ابداع تقویم جلالی به‌دست عمر خیام و اخوان‌الصفا که اولین دایره‌المعارف را انتشار دادند برای دانش‌آموزان معرفی کرده‌اید؟ جزئیاتی دقیق از دانشگاه گندی‌شاپور که در سال ۶۴۵ میلادی به دست شاپور دوم تأسیس شد، قبل از آنکه ازروای قرون وسطا حتی مدرسه داشته باشد (در قرن نهم میلادی امپراتور شارلمانی اولین مدرسه را در کلیسا تأسیس کرد) و بعد هم نظامیه‌های مرو، خردادکر، نیشابور، موصل و بغداد که به دست توانای خواجه‌نظام‌الملک ساخته شد در کدام کتاب درسی گنجانده و به آن افتخار کرده و دانش‌آموزان را به تحقیق درباره این مراکز علمی تشویق کرده‌اید؟ در کجا نوشتید که ترعه سوئز که امروز جهان و به‌ویژه مصر از آن استفاده می‌کند، به دست داریوش سوم حفر شده است تا آبی را از دریای مدیترانه به سرزمین پارس برساند که هنوز لوح او در آنجا نقش بسته است. در کجا نوشته‌اید که دیگران کتابخانه‌ها و کتاب‌های ما را سوزانند یا به قول «حاج‌خلیفه» در «کشف‌الظنون» در آب ریخته‌اند؟ شما برای کدامیک از شعرا و بزرگان علمی و ادبی و سرداران ملی و میهنی ایران آرامگاهی ساختید تا جوانان به آن افتخار کنند؟ و اکنون کدام خیابان اصلی و فرعی، پارک و کتابخانه و ایستگاه مترو را به نام کوروش کبیر و داریوش و اردشیر بابکان و شاپور دوم و خسروپرویز و موسیقی‌دانانی مانند باربد و نکیسا و دیگر اسطوره‌های ملی و میهنی ایران نام‌گذاری کرده‌اید و کدام بنای یادبود را برای اخاقانی‌شروانی و سنانی و ناصر خسرو و رودکی‌سمرقندی، ملک‌الشعرا یبار و صدها شاعر و سخن‌سرای نامی ایران بنا کرده‌اید که فرزندان ایران‌زمین آنها را شناساند، قدر بدانند و به این سرزمین افتخار کنند و به خود ببالند که ایرانی هستند و قرار مغرزا صورت نگیرد. در کدام اردوی آموزشی دانش‌آموزان را به دیدن تخت‌جمشید و پاسارگاد برده‌اید تا معماری و مهندسی بنی‌نظیر و شگفت‌انگیز آن را در دوهزار و ۵۰۰ سال قبل به چشم ببینند و به وطن خود افتخار کنند؟ آیا دانش‌آموزان و دانشجوین، طاق بیستون و زائوزند والرین، امپراتور رم و شیر سنگی و دشت ارزن و دانشگاه گندی‌شاپور و الواح گلی دوران هخامنشی را که نمونهای از بازرگانی و حسابداری و دخل‌وخرج مملکت بوده از نزدیک دیده‌اند؟ آیا سخن کوروش بزرگ که اولین لوح حقوق بشر را نوشته و به اجرا گذاشته در کتاب‌های درسی جای ویژه‌ای دارد؟ اینها و صدها مورد دیگر در مورد هویت ملی و میهنی و میراث فرهنگی که همه موجب دلبستگی نوجوانان و جوانان به میهن می‌شود آیا وجود دارند؟ در نتیجه جوانان به‌طور غیرمستقیم نسبت به هویت ملی و میهنی خود بی‌تفاوت و موجب فرار مغرزا از کشور و شعارهای تفرقه‌افکنانه شده و امروز در روزشگاه‌ها و فردا در جای دیگر ندر سا خواهند داد و بزرگ‌تران را به دادگاه جامعه خواهند برد.

آکادمی

عزل و نصب استادان

بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی

در آن سیستم‌های آموزشی است. چه دانشگاهی است که ۳۰ سال کارکردن در آن و شرکت در صدها و شاید هزاران فعالیت علمی و آموزشی آن نمی‌تواند از انحطاط شما جلوگیری کند؟ منصب پروفیسور امریتوس منصب استاد بازنشسته‌ای است که از وظایف و مسئولیت‌های اجرایی سنگین معاف می‌شود تا- شاید بیش از پیش- کارهای علمی و آموزشی انجام دهد. در چنین فضایی هیچ‌کس نمی‌تواند از بازنشستگی ناخشنود باشد و بازنشستگی هم نخواهد توانست محکومیت و مثلاً به دلیل افت علمی به حساب آید؛ تدوین اساسنامه‌ای برای سلسله‌مراتب و نحوه تعیین مسئولان و مدارج علمی و الزام به رعایت دقیق آن در دانشگاه‌ها یک اولویت انکارناپذیر است. در رشته‌های پزشکی و مهندسی بسیاری از ملاحظات و اختلاف‌نظرهای موجود در علوم انسانی وجود ندارند. بدون حضور چنین آیین‌نامه اعلام‌شده‌ای همواره مسئولان در معرض این اتهام قرار خواهند داشت که حتی عزل یا نصبی را هم که به گمان خود بر اساس بسیاری دلایل منطقی به عمل آورده‌اند، مقاصد یا انتقام‌جویی شخصی یا گروهی به حساب آید. حتی اگر زمانی تصمیمی می‌گیرند که نزدیک‌ترین تصمیم به احساس برآمده از داخل سیستم است هم از این اتهام مبری نخواهند بود و ای‌بسا که با یک تصمیم خلق‌الساعه باعث اعتبار و رونق برای پدیده‌ای شوند که می‌خواستند یا آن مقابله کنند. کسی هم به این نکته توجه نمی‌کند که هر مدیری کمافی‌السابق دارد با متابعت از یک سیستم ساختاری رفتار می‌کند و بالطبع آن کاری را انجام می‌دهد که در افق دید و نگاه خود اوست. منتقدان هم به جای انتقاد از یک تصمیم خاص باید در جهت اصلاح ساختار عزل و نصب‌ها تلاش کنند و مصداق‌ها را تنها به عنوان نمونه‌ای از ضرورت این تغییر در نظر آورند. تدوین و رعایت آیین‌نامه‌ای جدی و آکادمیک برای عزل و نصب در دانشگاه، برگرفته از دانشگاه‌های مشابه دنیا -که خود مستلزم یک تحقیق گسترده و عالمانه است- و الزام به رعایت جدی آن، حتی اگر باعث تغییر مسئولان فعلی و عاملان تدوین این آیین‌نامه هم شود، بزرگ‌ترین دستاورد دانشگاه‌های علوم پزشکی ما خواهد بود. بی‌تردید استغفای مسئول اصلی تدوین این آیین‌نامه بر اساس آیین‌نامه تدوین‌شده برگ زرنی است که لیاقت او را در ادامه مسئولیتش به اثبات خواهد رساند.

اتفاق

گفت‌وگوهای فرهنگی با «توانمندی حرفه‌ای و مرجعیت رسانه‌ای» آغاز می‌شود

● در این روزها مباحث و مشکلات روزنامه‌نگاری از دغدغه‌های روزمره اهالی مطبوعات و فرهنگ است و هر روز به دلیلی مشکلی در این مجموعه که پیش‌تر به‌عنوان رکنی از دموکراسی شناخته می‌شد، مطرح می‌شود.یک روز ماجرا کاغذ است و مواد اولیه، روز دیگر بحث نظام مرجعیت رسانه است که امکانات حادقلی را برای خبرنگاران در نظر گرفته است و مثلاً اجازه به خبرنگاران برای حمل وسایل ضبط مصاحبه و حضور در نشست خبری با دعوت قبلی را قانونی کرده است. روز دیگر اما ماجرای واگذاری ضمیمه‌های همشهری به یک فرد و نگرانی از بین‌رفتن جایگاه روزنامه‌نگاری مطرح است. بحث محدودیت روزنامه‌ها و رسانه‌های مکتوب و ناتوانی‌شان در برابر خبرهای دروغ در شبکه‌های اجتماعی مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. در این روزها قرار است نخستین جلسه گفت‌وگوهای فرهنگی با موضوع «توانمندی حرفه‌ای و مرجعیت رسانه‌ای با نگاهی به چالش‌ها و فرصت‌های فضای مجازی» سه‌شنبه، ۱۳ شهریور، ساعت ۱۰ تا ۱۲ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شود. در این نشست، مسئولان معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعدادی از حقوق‌دانان، روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه حضور خواهند داشت و قطعا انتظار هست که درباره مسائل مهم مطبوعات صحبت‌های جدی شود. طرح گفت‌وگوهای فرهنگی از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شود و تا پایان سال ادامه خواهد داشت.

نقاشی‌های روبان‌ی حراج می‌شوند

● سایت حراجی کریستیز خبر فروش نقاشی‌هایی را که توسط روایات کشیده شده‌اند، منتشر کرده است. این سایت مجموعه آثاری را که حاصل یک الگوریتم و هوش مصنوعی براساس چهره مبهم مردی با کت سیاه و بقیه‌ای سفید است، به فروش می‌رساند. جالب این است که برای این شخصیت خیالی نیز اسم «ادموند بلیمی» گذاشته شده است و خانواده‌اش تصور شده‌اند. خالق این هوش مصنوعی سه و ۲۵ ساله فرانسوی هستند که می‌خواهند نشان دهند می‌توان کارهایی فراتر از قتل، انجام کارهای روزانه و ساخت ماشین‌های بدون‌راننده و کار در کارخانه را انجام داد. «کاسل دوپر»، متخصص هوش مصنوعی و یکی از سه جوان مبتکر این نوع نقاشی، سال گذشته و در جریان تحقیقاتش به مدلی جدید برخورد کرد که می‌تواند هزاران تصویر را بررسی کند و در انتها یک اثر نقاشی بر اساس همه آنها خلق کند. به‌این‌ترتیب پس از واردکردن ۱۵ هزار نقاشی در تصویر در الگوریتم، در نهایت این نقاشی‌ها که برابندی از همه آن تصاویر پیش‌فرض هستند، خلق شده‌اند. البته باید منتظر بازخورد مخاطبان شد و دید آیا آنان این اثر را یک اثر هنری می‌دانند یا خیر؟

La Famille de Belamy

